



تسخیر شجاعانه لانه شیطان

در سفارت با دانشجویان عملی شد و جاسوسان آمریکایی به گروگان گرفته شدند. پس از تسخیر لانه جاسوسی بعد از ظهر همان روز، آمریکا نگرانی خود را از عدم امنیت مالی و جانی کارمندان آمریکایی سفارت اعلام کرد. مبارزه بی امان ملت ایران با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و تکیه بر سیاست «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» ارتباط تنگاتنگی با ظهور روحیه‌ای عارفانه در ملت داشت که در نتیجه آن هر کار سیاسی و مبارزاتی و اجتماعی عبادت محسوب می‌شد. اشغال لانه جاسوسی، فریاد اعتراضی بود علیه شیطان بزرگ و علیه نیروهای لیبرال و ملی‌گرایان که در داخل کشور آگاهانه در پی رجعتی دوباره به امپریالیسم آمریکا بودند. اشغال سفارت جاسوسی آمریکا با حمایت‌های بی‌شائبه رهبری انقلاب و مردم انقلابی ایران توأمان بود. این چنین بود که بحران ۴۴ روزه کاخ سفید کلید خورد و سرانجام سرنوشتی کارتر را به ارمغان آورد.

فتح سفارت آمریکا در تهران مانند بمبی در دنیا عمل کرد و بر صدر اخبار سیاسی جهان نشست. آمریکا تحقیر شده بود و بدتر آن که چاره‌ای به نظرش نمی‌رسید. از این پس ۲ جناح با ۲ خط‌مشی متفاوت در اتاق بیضی کاخ سفید رودرروی یکدیگر قرار گرفتند. «خط مشی شدت عمل» توأم با برخورد نظامی به رهبری برژینسکی و «خط‌مشی مسالمت‌آمیز» به رهبری سایروس ونس، وزیر امور خارجه.

کارتر در این میان جانب ونس را گرفت. در بیست و دوم آبان ۵۸ جلسه «شورای امنیت سازمان ملل متحد» بنا بر اصرار و پافشاری آمریکا در ساعت ۱۰:۴۳ به وقت نیویورک تشکیل شد. مک هنری، نماینده وقت آمریکا در شورای امنیت دعای قبل خود را علیه ایران تکرار کرده مبنی بر تحریم سیاسی و اقتصادی ایران در ۵ بند. او شورا تقاضا کرد که برای حفظ صلح بین‌المللی قطعنامه مورد درخواست آمریکا مبنی بر تحریم اقتصادی ایران را به تصویب برساند. در همان جلسه نمایندگان برخی از کشورها، قطعنامه مورد تقاضای آمریکا علیه ایران را مردود دانسته و اعلام کردند که ایران هیچ اقدامی علیه صلح و امنیت بین‌المللی مرتکب نشده است و اضافه کردند که هر نوع تصمیم شورا در این مورد علیه ایران، نوعی دخالت در تحولات سیاسی آن سرزمین خواهد بود و ناقض حق تصمیم‌گیری مردم ایران است که در منشور ملل متحد پیش‌بینی شده است. آن شب یکی از جلسات بسیار شورانگیز شورای امنیت در جریان بود و به درازا کشید. پس از بحث‌ها و تبادل نظرها، نمایندگان انگلیس، نروژ، پرتغال و فرانسه حمایت خود را از قطعنامه آمریکا اعلام داشتند، بنگلادش و مکزیک به این قطعنامه رأی ممتنع دادند و آلمان شرقی با آن به مخالفت برخاست و در نهایت شوروی با استفاده از «حق وتوی» خود، آن را در بایگانی شورای امنیت دفن کرد. ولی از فردای آن روز برخی از دولت‌ها به سرکردگی آمریکا قطعنامه تصویب نشده را به اجرا گذاشتند و حسب دستور کارتر، تمامی نقدپننه‌های ایران در بانک‌های آمریکا و شعب‌ها آن در اروپا مسدود شد و محاصره اقتصادی در نهایت شدت، جریان یافت؛ مجموعه اتفاقات‌های به هم پیوسته‌ای که همگی به قصد نیت سرپوش گذاشتن به شکست هیمنه شیطان بزرگ در تهران برنامه‌ریزی و تدارک دیده شده بود؛ شکست بزرگی که شیب سرافکنندگی آمریکا در منطقه را بیشتر و بیشتر کرد و این شکست و سرافکنندگی شیطان بزرگ در مقابل ملت ایران و ملت‌های مسلمان منطقه روز به روز بیشتر شد و خواب آرام آمریکایی‌ها را بیش از پیش آشفته کرد.

آفتاب کم‌رمق پاییزی به کاج‌های خیابان طالقانی می‌تابید و زندگی مانند روزهای قبل در محوطه سفارت آمریکا در تهران، جریان داشت. برای رهگذران این معبر خلوت در مرکز شهر تهران، همه چیز طبیعی بود و خیابان طالقانی تهران در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ آبان ۵۸ مانند همه روزهای دیگر وضعیت عادی خود را داشت. رهگذران در این سوی و آن سوی خیابان مشغول رفت‌وآمد بودند. نه از ترافیک خبری بود و نه از شلوغی و ازدحام جمعیت که این روز را با روزهای دیگر متمایز کند. اتومبیل‌ها با سرعت از دو سوی خیابان می‌آمدند و با سرور صدای عبور می‌کردند. درهای فروشگاه‌ها و شرکت‌ها باز بود و مشتریان فروشگاه‌ها و مراجعه‌کنندگان شرکت‌ها از راه می‌رسیدند و کارهای خود را پیگیری می‌کردند. کارکنان فروشگاه‌ها و شرکت‌ها هم سرگرم کارهای روزمره خود بودند. همه چیز درست مثل روزهای قبل بود و کسی از اتفاق مهمی که تا دقایق دیگری شروع می‌شد تا مسیر تاریخ را تغییر دهد، خبر نداشت.

ساعت ۱۱ صبح از راه رسید و نبض زمان به تپش افتاد؛ گروهی از جمعیتی که نزدیک به ۴۰۰ نفر بودند در حالی که خیابان طالقانی را طی می‌کردند، راه خود را به سمت سفارت آمریکا در پیش گرفتند. انگار داشت اتفاق تازه‌ای در این خیابان خلوت می‌افتاد. جمعیت هنگامی که به مقابل سفارت آمریکا رسیدند، برای لحظه‌ای ایستادند. هر لحظه‌ای که می‌گذشت به نفرت جلوی جمعیت و حجم افرادی که مقابل سفارت آمریکا رسیده بودند، اضافه می‌شد. در یک لحظه افرادی از جمعیت که مقابل سفارت آمریکا رسیده بودند، از در و دیوار سفارت بالا رفتند و به درون محوطه سفارت پریدند. مردم عادی و رهگذرانی که در پیاده‌روهای خیابان طالقانی در حال تردد بودند، هاج و واج به این صحنه نگاه می‌کردند و خیلی‌ها از اطرافیان خود پرسیدند چه شده است؟

سرعت اتفاق‌ها چنان زیاد بود که کسی قدرت تجزیه و تحلیل وقایعی که جلوی چشم‌هایش می‌افتاد، نداشت. خیابان بند آمده بود، جوان‌ها تند و تیز یکی پس از دیگری از گوشه و کنار سفارت به داخل رفتند. حالا هر کدام شان بازوبندی به دست و عکس امام خمینی را به سینه داشتند. هنوز مدتی از این اتفاق نگذشته بود که موضوع برای خیلی‌ها روشن شد. در حالی که باران رحمت الهی از آسمان تهران شروع به بارش کرده بود، خبر در همه شهر پیچید: «سفارت آمریکا اشغال شد».

سفارت آمریکا به اشغال دانشجویان درآمد و نخستین اطلاعیه رسمی آنها به نام «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» ساعت یک بعد از ظهر از رادیو پخش شد. آنها در نخستین اطلاعیه خود سفارت آمریکا را «سفارت جاسوسی» خواندند و اعلام کردند: «ما به پیروی از موضع قاطعانه امام در مقابل آمریکای جهانخواه و به منظور اعتراض به دسیسه‌های امپریالیستی و صهیونیستی، «سفارت جاسوسی» آمریکا را در تهران به تصرف درآوریم تا اعتراض خویش را به گوش جهانیان برسانیم.»

پس از پخش این اطلاعیه مردم از جریان حمله به سفارت آمریکا باخبر شدند و فوراً برای پشتیبانی از اقدام دانشجویان، مقابل سفارت آمریکا سرازیر شدند و در حالی که شعار می‌دادند «نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا» عمل دانشجویان را تأیید کردند. اشغال لانه جاسوسی پس از ۳ ساعت تیراندازی و مقاومت از طرف تفنگداران آمریکایی مستقر

همیشه‌های

داستان

۱۳ آبان ۱۴۰۲
دوره جدید • شماره ۷
۸ صفحه

خیانت بزرگ استکبارگران

استکبارستیزی ملت مسلمان ایران ریشه در تاریخ نسبتاً طولانی دارد و نخستین نشانه‌های رویکرد استکباری و استعمارگرانه غرب نسبت به ملت ایران را می‌توان در حدود ۲ قرن پیش جست‌وجو کرد که با هدف غارت سرمایه‌های ملی ایرانیان کلید خورد. ۷ خرداد ۱۲۸۰ نخستین قرارداد مهم بهره‌برداری از معادن نفت ایران به مدت ۶۰ سال به ویلیام ناکس دارسی از اتباع انگلستان واگذار شد. برخی از مفاد این امتیاز در دوره رضاخان تغییر کرد و به قرارداد جدیدی با عنوان قرارداد ۱۹۳۳ منجر شد که این قرارداد بزرگ‌ترین خیانتی بود که یک دولت برای حفظ منافع بیگانگان علیه مردمش مرتکب شد و قطعاً می‌توان اتفاق کودتای ننگین ۲۸ مرداد را هم علت و دلیلی بر لغو قرارداد ۱۹۳۳ در فرآیند ملی شدن صنعت نفت ایران دانست.